

۱۳۴۷۱۳۰



پژوهش روزگار

گوهر فروشان مهتاب

(تراژدی لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجوی)

با شرح بیت‌های پیچیده

سیروس نیرو

به کوشش و ویرایش

محمد مفتاحی



مشردورکار

سرشناسه	: نیرو، سیروس، ۱۳۰۹
عنوان قرارداد	: لیلی و مجنون. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: گوهر فروشان مهتاب: (تراژدی لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجوی)
با شرح مشکلات شعری و پیچیدگی بیت ها سیروس نیرو؛ به کوشش و ویرایش محمد مفتاحی	
ملاحظات نشر	: تهران: روزگار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۳ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۴-۵۷۶-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: نظامی، الیاس بن یوسف، ۴۵۳۰ - ۴۶۱۴ ق. لیلی و مجنون -- نقد و تفسیر
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۶ ق. -- تاریخ و نقد
شناسه افزوده	: مفتاحی، محمد، ۱۳۵۶-، ویراستار، گردآورنده
شناسه افزوده	: نظامی، الیاس بن یوسف، ۴۵۳۰ - ۴۶۱۴ ق. لیلی و مجنون. شرح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ / ۵۱۳ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۱۴ / ۲۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۱۳۴۷۷

- نام کتاب: گوهر فروشان مهتاب: (تراژدی لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجوی)
- با شرح بیت های پیچیده سیروس نیرو؛ به کوشش و ویرایش محمد مفتاحی
- ناشر: انتشارات روزگار مدیریت نشر: ۰۹۱۲۲۰۳۷۳۵۴
- طراح جلد: پرینا عزیزی
- چاپ اول: ۱۳۹۵ / شمارگان: ۵۰۰
- قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: مهر: ۶۶۴۹۳۵۰۲
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۴-۵۷۶-۹
- نشانی دفتر و فروشگاه: خ انقلاب - خ دانشگاه - جنب شهدای ژاندارمری
- مرکز خرید دانشگاه طبقه زیر همکف - پلاک ۴ / ۶۶۹۵۸۱۴۰

فهرست :

۱۱	پیش‌گفتار نخست
۱۵	پیش‌گفتار دوم
۲۱	به نام ایزد بخشنده
۳۰	نعت پیام بر
۴۰	برهان قاطع در حدوثِ افرینش
۴۸	سبب نظم کتاب
۵۵	در مدح شروان شاه اختسان ابن منوچهر
۶۲	خطاب زمین بوس
۶۵	سپردن فرزندی خویش به فرزندی شاه
۶۷	در شکایت حسودان و منکران
۷۳	در نصیحت فرزندی خود محمد نظامی
۷۵	در یاد کردن بعضی از گذشته گان خویش
۸۴	آغاز داستان
۹۱	عاشق شدن لیلی و مجنون به یک دیگر
۹۴	در وصف عشق مجنون
۹۹	رفتن پدر مجنون به خواست گاری لیلی
۱۰۳	زاری کردن مجنون در عشق لیلی
۱۰۹	بردن پدر، مجنون را به خانه کعبه

۱۱۷	پند دادن پدر مجنون را
۱۲۲	حکایت
۱۲۴	در احوال لیلی
۱۳۶	خواستگاری ابن سلام لیلی را
۱۳۸	رسیدن نوفل به مجنون
۱۴۵	جنگ کردن نوفل با قبیله لیلی
۱۵۱	عتاب کردن مجنون با نوفل
۱۵۳	مصافحه کردن نوفل بار دوم
۱۵۹	زمانیدن مجنون اهران را
۱۶۶	سخن گفتن مجنون با مرغ
۱۶۹	بردن پیرزن مجنون را در خرمایه لیلی
۱۷۳	دادن پدر لیلی را به ابن سلام
۱۸۱	آگاهی مجنون از شوهر کردن لیلی
۱۸۸	رفتن پدر مجنون به دیدن فرزند
۱۹۶	وداع کردن پدر مجنون، مجنون را
۱۹۹	آگاهی مجنون از مرگ پدر
۲۰۳	انس گرفتن مجنون با وحوش و سباع
۲۰۹	نیایش کردن مجنون به درگاه خدای تعالی
۲۱۸	رسیدن نامه لیلی به مجنون
۲۲۸	نامه مجنون در پاسخ لیلی
۲۳۴	آمدن سلیم عامر خال مجنون به دیدن او
۲۳۸	دیدن مادر، مجنون را
۲۴۱	آگاهی مجنون از وفات مادر
۲۴۴	خواندن لیلی مجنون را

۲۴۹	 غزل خواندنِ مجنون نزد لیلی
۲۵۳	 آشنا شدنِ سلام بغدادی با مجنون
۲۶۰	 وفات یافتنِ ابنِ سلام شوهرِ لیلی
۲۶۴	 صفت رسیدنِ خزان و در گذشتنِ لیلی
۲۷۲	 وفاتِ مجنون بر روضهٔ لیلی
۲۷۶	 ختم کتاب به نام شروان شاه

پیش‌گفتار نخست

ادبیات هر سرزمینی آینه‌ی تمام‌نمای زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم آن سرزمین است. در میان ملل مختلف، ادبیات ایران، با توجه به تاریخ کهن و فرهنگی منحصر به فرد، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و بر هیچ کس پوشیده نیست که ادبیات ایران سرچشمه و منشأ تفکر و آلام برای خلق بسیاری از آثار ادبی در کشورهای دیگر نیز بوده و هست. بویژه در روزگار گذشته که محدودیت ارتباط با کشورهای دیگر، فرهنگ ایران و ادبیات ما را خاص و قابل تال کرد، بود؛ اما در عصر حاضر با توجه به وقوع انقلاب مهم و دگرگون‌کننده‌ی مشروطه، ارتباط وسیع و هم‌جانبه با کشورهای مختلف، آشنایی با جریاناتی که در آستانه‌ی این انقلاب مهم، سراسر دنیا اتفاق افتاد و... سبب شد که ادبیات ما اجتماعی‌تر و وسیع‌تر از پیش به راه خود ادامه دهد و همین امر سبب کثرت شعرا و نویسندگان و خلق آثار جدی و جهانی گردید.

مبارزات سیاسی، محدودیت‌های اجتماعی، اختناق حاصل از حکومت‌های دیکتاتوری و نزدیک شدن به عصر مدرنیته و مشکلات این عصر سبب شد که هنرهای نوشتاری در ایران به فریادی رسا بدل شوند.

انتقاد، اعتراض و آگاهی‌رسانی جنبه‌ی تازه‌ای از ادبیات شد و تلاش گذشته جبران نبود موسیقی، رقص، هنرهای نمایشی و... بر عهده‌ی ادبیات بود این بار ادبیات تنها به زندگی و موقعیت انسان در جامعه توجه نشان داد تا راه‌گشایی برای آزادی و سعادت انسان باشد.

ظهور شاعرانی که با شناخت کافی از شعر تازه‌ی فرانسه، انگلیس و دیگر کشورها به ایجاد تغییراتی در شعر دست زدند تا از قید قالب‌ها و قوانین دست و پاگیر شعر کهن بگریزند و شعر را به داخل جامعه ببرند مانند شمس کسمایی، جعفر خامنه‌ای، ابوالقاسم لاهوتی، تقی رفعت، میرزاده‌ی عشقی و... و آن گاه نیما که جریان شعر نو به نام او ثبت شد از یک طرف و آشنایی و توجه ایرانیان به قالب‌های رایج ادبیات داستانی در کشورهای دیگر که مهمترین آن‌ها رمان و داستان کوتاه است، سبب شد که ادبیات جدی ما بن‌مایه‌های مطرح شدن در سطح جهان را دارا شود. توجه نویسندگان ما به قالب‌های پذیرفته شده در دنیا رنگ و بوی جهانی به ادبیات ما داد و از این نظر ما را به دیگر کشورها نزدیک کرد. در

کنار خلق آثار ادبی، آثار پژوهشی هم در این دوران رونق یافت. از نوشتن زندگی‌نامه و شرح احوال گرفته تا نقد و بررسی و شرح نویسی بر آثار بزرگان شعر و نثر پارسی و هم-چنین تصحیح نسخه‌ها و انتخاب برترین نسخه از این بزرگان. آثاری که به سرعت راه خود را در جامعه باز کردند و به نوشته‌هایی پرتیراژ بدل شدند. برای نمونه در مورد شاهنامه‌ی فردوسی، تصحیح محمد دبیرسیاقی و کلاله خاور تا مدت‌ها معتبر به شمار می-رفت و درباره‌ی حافظ، تصحیح غنی و محمد قزوینی و درباره‌ی نظامی نسخه‌ی وحید دستگردی اعتبار داشت. هر چند ارزش تحقیقات این بزرگان به هیچ روی قابل چشم‌پوشی نیست و جامعه‌ی ادبی وام‌دار این بزرگان بوده و خواهد بود؛ اما با رشد دانش در کشور و برقرار شدن دهه‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌ها و تربیت نسل‌های مختلفی از کارشناسان ادبیات، سبب شد که هر کدام آنان با توجه به آموخته‌های-شان و خلاقیت فردی، خود آثار مختلفی را در زمینه‌ی نقد و شرح آثار ادبی عرضه کنند. هر کدام از این نقد و شرح‌ها، حوزه‌های ویژه‌ای از تلاش شاعر یا نویسنده‌ی اثر را پوشش داده و همه‌ی این بررسی‌ها در کنار هم سبب گسترش نگاه خوانندگان آثار مهم ادبی می‌شوند. بنابر این تمام پژوهش‌ها ارزشمند و راه‌گشای دوست‌داران ادبیات ایران زمین است.

درباره‌ی نظامی و احوال و آثار او هم چنین درباره‌ی شرح آثارش مقاله‌ها و کتاب‌های گوناگونی نوشته شده است. گذشته از معرفی دقیق وی در آثار دکتر ذبیح الله صفا اعم از تاریخ ادبیات ایران در هشت مجلد و هم-چنین شرح سخن و گنج و گنجینه، افراد مختلفی به معرفی این شاعر فرزانه و نقد و شرح آثار او پرداخته‌اند. فراوانی این شرح‌ها به قدری است که خواننده‌ی آثار نظامی به راحتی می‌تواند یک یا از این‌ها را برگزیده و مطالعه نماید. اما نکته‌ی مهم که سبب نگارش این مجموعه، به توجیه پافشاری استاد بزرگوارم سیروس نیروگردید، این است که کژتابی‌ها و درک نادرست از برخی ابیات نظامی، سبب شده است که عوام جامعه نظامی را دشوار، دیرپای و غیرقابل فهم توصیف کنند. در صورتی که نظامی به داستان‌سرایی و قصه‌گویی و هم-چنین به شرح و توصیف دقیق و گویای صحنه‌ها مشهور است نه به پیچیدگی‌های لفظی و معنوی. از حدود دوازده سال پیش که استادم سیروس نیرو را از نزدیک شناختم دغدغه‌ی ایشان بر رفع این ذهنیت نادرست از آثار حکیم نظامی بود. ایشان هم‌واره گله‌مند بودند که شرح کنندگان نظامی در برخی از موارد اشعار او را خوب درک نکرده‌اند و همین امر هم سبب شده است که مردم زبان و بیان او را پیچیده و دور از ذهن تصور کنند و به سراغ آثار ارزشمند او نروند. این‌گونه بود که بنده هم با لطف بزرگ‌منشانه‌ی استاد، به دقت و مطالعه در آثار نظامی تشویق شدم و افتخار شاگردی، نه هم‌کاری، ایشان را یافتم.

هدف از این مجموعه شرح مشکلات پیش آمده درباره‌ی برخی از بیت‌های نظامی است که شرح کنندگان وی از آن‌ها گذشته‌اند یا به درک درستی از آن‌ها نرسیده‌اند. هم‌چنین یکی از مهم‌ترین هدف‌ها و حسن‌های این شرح پرهیز از حاشیه‌روی و تفصیل کلام است. در این راستا از پرداختن به اشخاص، مکان‌ها و پدیده‌های شناخته شده و شرح واژه‌های ساده و تکراری پرهیز شده است. بنا بر این بوده که نظامی را برای همه‌گان قابل فهم نماییم. نکته مهم دیگر رسم الخط و نوع نگارش کلمات است که هدف سهولت و خوانش درست - خوانی نظامی بوده است. بر خود واجب می‌دانم که در پایان این پیش‌گفتار از استاد گرامی - ام، شاعر بزرگ معاصر، سیروس نیرو نهایت قدردانی را به جای آورم و آرزو کنم که این مجموعه که با جان‌مردی ایشان به انجام رسیده است مورد اقبال همه‌گان واقع شود و ایشان را به هدفی که سال‌ها دنبالش بودند برساند.

نکته‌ی دیگر این که بر خود واجب می‌دانم از کوشش‌های دیگر شارحان نظامی از جمله مرحوم وحید دستگردی، زنده یاد دکتر روز ثروتیان، دکتر برات زنجانی، دکتر ماحوزی و شارحان دیگر که گام‌های مهمی را برای گسترش نظامی خوانی برداشته‌اند قدردانی کرده یادشان را گرامی بدارم. این شرح به هیچ روی نقی تلاش‌های آنان نیست بلکه هدف ادامه - ی راه آنان برای نزدیک شدن به دنیای بی‌بطیر نظامی است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

و در پایان بر خود واجب می‌دانم از دوست هنرمندم علی مثنویان، که روح بزرگ‌وارش در همه کار و حالم جریان دارد، به پاس سی سال هم‌راهی سپاس بگویم. همچنین از پدر و مادر مهربانم، که همه جا و در همه حال به یادشان و همواره مدیونشان هستم قدردانی نمایم.

و نیز از ناشر فرهیخته آقای محمد عزیزی که خود نویسنده و شاعری گرانمایه است نهایت سپاس را دارم. به راستی که چاپ این مجموعه بدون لطف و دست‌نظر ایشان امکان‌پذیر نبود.

در پایان هم از سرکار خانم تابش به جهت صبوری‌ها و لطف بی‌پایان‌شان در برطرف کردن اشتباهات تایپی متن نهایت قدردانی را دارم.

محمد مفتاحی

بهار ۱۳۹۴

پیش‌گفتار دوم

عدم تعاون تاریخ ادیب و شاعر

ادیب کلمه عربی و صفت به معنای نگاه دارنده هرچیز فرهنگ‌ور، و دانای علوم ادب است. از جمله کار ادیب پژوهش در آثار و زندگی‌نامه شاعر و کم و کیف شعر او، جای‌گاه اجتماعی و بررسی فنر اثر است، تا مرز شعریت شعر شاعر. از این به بعد ادیب هم‌کاری و هم‌فکری شاعر را لازم دارد. متنی شسته و رفته به جامعه خود تحویل نماید. ادیب با منطق علمی سروکار دارد، نه اکتفا به شهود هنری و باریک‌اندیشی شاعر! نظامی می‌فرماید: در آن مشعل که برد از سماع‌ها نور چراغ انگشت بر لب ماند از دور. و یا: به سوک نیزه‌های سرفتاده / صبا گیسوی سحر ما آشفاده ادیب این‌گونه سخن غیرمنطقی را برنمی‌تابد. به همین دلیل بخش بزرگی از آثار نظامی شعر سرزمین ما معطل مانده است، که در این نوع مجموعه‌های شعر، از روانی و ساده‌سرایي سعدی و فرخی خبری نیست! در گذشته تاریخی ما معمار و نقاش اجازه تصویرسازی شاعران فلسفه‌بافی را نداشتند. در فرهنگ ما شاعران جور این کم‌بودها را به گردن گرفته و "سحر" را عهده برآمده‌اند. صائب تبریزی، کلیم کاشانی، نظامی گنجوی، کسانی مروزی، امیرخسرو دهلوی، حافظ شیرازی، حتی «نیمایوشیج» رسول نوآوری و مدرنیته در شعر، از این دست بودند که مورد بی‌مهری ادیبان قرار دارند!

در دوره معاصر یکبار وحید دست‌گردی شاعر خوب معاصر در گذشته به سال ۱۳۲۰ در سال ۱۳۱۳ شرح و تفسیری بر بیت‌های مشکل نظامی را از خود به یادگار گذاشت که با وجود بسیاری نارسایی‌ها هنوز بهترین شرحی است که بر اشعار نظامی گنجوی نوشته شده است. سپس در دهه شصت دکتر بهروز ثروتیان و پرویز بابایی به این مهم دست گشودند که کاملاً ناموفق ماندند. این بار نوبت دکتر برات‌زنجان، دانشمند محترم رسید. البته ایشان در این مورد سال‌ها زحمت کشیده‌اند و باید گفت: خسته نباشید، دست شما درد نکند. اما هیچ ادیبی به تنهایی از عهده این کار برنیامده است که تاریخ‌گواه آن است. دلیل آن هم، این همه شرح و تفسیر بر غزلیات حافظ و شعرهای نیماست. حشو و زواید در این مجموعه زیاد به چشم می‌خورد که در حد توانایی من نیست که بر آن انگشت گذارم.

همین قدر می دانم کتابی که حد اکثر دو هزار و پانصد صفحه کاغذ می برد ، به شش هزار صفحه رسیده که با حشو و زوائد بسیار، ملال خواننده می باشد. بهتر این بود که فرهنگستان ایران چند فرد مطلع را به این کار وا می داشت که نشد. من نیز بسیاری تلاش را بر خود هموار ساخته تا به دین موهبت دست یابم. شاید بسیاری جوانان باشند که من به آنان دست رسی نداشته ام ولی همین قدر می دانم وای بر مملکتی با چنین جوانان، شاید چند نسل بگذرد تا به راه آیند.

من به مدت ده سال با آثار این شاعر بزرگ تا حد توان خود به شرح آورده ام که امید است تلاش من در رد قبول خوانندگان محترم واقع گردد.

خوش بستانه به حدانی به نام محمد مفتاحی برخوردیم که همه شایسته گی لازم را داراست. دارای هوش ، رشاد ، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. به به از این اقبال! هم اوست که با ج خ های من که مختص پیران است به راه آمده و با علاقه بسیار به هم کاری با من ادامه می دهد. به نکته های دقیقی را به من گوش زد می کند که بر خود می بالام، او چون شمعی نورزاند. هر راه تاریکی و ناکارآمدی من، به پرتو افشانی است، امید است که چنین باشد. در پایان از دوست عزیزم آقای منصور تبریزی که زحمت حروف چینی این کار را بر عهده داشت تشکر می کنم.

امین یا رب العالمین

سرویس، نیرو ۱۳۸۳